



تاریخ تراش سنگ های تزیینی در افغانستان

سال ۲۰۲۳

انجینیر محمد رفیق جمالی
عبدالعظیم حکاک زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

سلام و احترام خدمت عزیزان که در حال مطالعه تاریخ تراش سنگ های تزیینی در وطن عزیز ما افغانستان هستند. تاریخ افغانستان گواه روشن از کارکرد ها و هنر های زیبا و حیرت آور چون مجسمه های بودا در بامیان، آثار کشف شده باختری پلاتیپه در نزدیکی شهر شبرغان ، سنگ هفت قلم در هرات و هزاران آثاریکه تاریخ تمدن ان عصرها را وانمود میسازد می باشد، که متأسفانه اکثر " آثار بدست آمده متذکره بدون نام و نشان مولد آن بوده، در حالیکه تعریف وتوصیف از اثر هنری صورت میگیرد اما کارگران که بسا زحمات را در قبال بوجود آوردن آن اثر متقبل شده اند، از نام شان تذکری بعمل نیامده است. بناً لازم دانستیم که تاریخ کار در قسمت سنگ تراشی و حکاکی را در افغانستان عزیز ما با ذکر نام هنرمند ان تا جایی که امکان داشت تهیه و در رشته تحریر در آوریم .

در ضمن باید یادآور شویم که کار ما مکمل نبوده دارای نواقص و کمبودی های است که به کمک دوستان و عزیزان امیدواریم که خلا های آن پر گردد.

فامیل های جمالی و حکاکزاده از همکاری تان قلباً" مشکور و ممنون خواهد بود.

انجنیر محمد رفیق حکاک جمالی

استاد عبدالعظیم حکاکزاده

1	تاریخچه فن حکاکی و مهر کنی (تراش جواهرات)
1	سلسله حکومت های آریایی (۲۰۰-۵۲۹ قبل از میلاد)
1	دوره هخامنشی ها (۳۲۹-۵۲۹ قبل از میلاد)
1	دوره کوشانیان (۱۳۵ سال قبل از میلاد الی ۲۴۸ سال بعد از میلاد)
2	دوره تیموریان (۱۳۷۰-۱۵۰۶ م)
5	اهمیت لاجورد افغانستان در جهان هنر
5	بعد از عصر تیموریان الی عصر بارکزیاییها (۱۵۰۶-۱۹۷۳ میلادی)
7	1. چرخ برش احجار
8	2. چرخ تراش
9	3- چرخ صاف کاری (چرخ موا) و آماده ساختن جواهرات برای پالش
9	4-چرخ های پالش و موادیکه در ساختن چرخ ها وپالش جواهرات از آن استفاده میگيرد
14	موسسه حکاکی، حجاری و مجسمه سازی یما
21	موسسه حکاکی و حجاری جمال

تاریخچه فن حکاکی و مهر کنی (تراش جواهرات)

سخنی چند در مورد تاریخچه فن حکاکی.

عموما تمام هنر های صنایع دستی از نگاه قدامت و ظرافت با وجود نبودن امکانات تکنیکی، الهامی از گذشته های دور و نزدیک را دارا می باشد.

تراش و صیقل سنگ یکی از دست یابی های اول بشریت کمون اولیه در تکامل زندگی بشری در آن عصر بوده است که با ساختار و صیقل جواهرات پرداختند و سپس به تعقیب آن تحول کشف آتش و به همین ترتیب به کشف فلزات در آن وقت رسیدند. خلاصه گفته میشود که تراش جواهرات یکی از قدیمترین هنر ها در جوامع بشری به میان آمده است و تا امروز به طور پیشرفته آن دوام دارد.

سلسله حکومت های آریایی (۲۰۰-۵۲۹ قبل از میلاد)

سر زمینی که امروز بنام افغانستان نامیده میشود، هزاران سال قبل پیش از میلاد مسیح (ع) سر زمین آباد و دارای شهر های پر جمعیت بوده است. صنایع دستی و سکه های مورد معامله مردم، علوم چون طب، نجوم، ریاضیات و حرفه های مثل فلز کاری و بنایی در این مرز و بوم رواج داشته است.

در حفاریات که باستان شناسان انجام داده اند، اقسام وسایل قدیمی بدست آمده است که حکایت از تمدن تاریخ این سر زمین دارد. در سال ۱۹۶۵ م حفاریاتی که به سر پرستی دکتر لویی دوپری امریکایی در جنوب شهر مزار شریف در ناحیه آق کبرک صورت گرفت در نتیجه آن آثاری مثل آئینه برنجی، انگشتر، قیضه اسپ، و نگین لاجورد بدست آمده و متعلق به دوره جدید حجر (از دو تا نه هزار سال قبل از میلاد) می باشد، که حکایت از زندگی شهری و تمدن باستانی این سر زمین دارد.

تحقیقات دیگری که در سال ۱۹۵۱ میلادی در شهر قندهار در ناحیه مندیگک صورت گرفت نشان میدهد که مردم افغانستان از سه هزارسال قبل از میلاد خانه های از خشت می ساختند و به زراعت و مالداری می پرداختند و از اسلحه، زیور، آلات مسی و ظروف سفالین دارای اشکال هندسی استفاده میکردند. این در حالی بود که دیگر کشور ها در آن زمان از این قبیل امکانات بهره ای نداشتند.

دوره هخامنشی ها (۳۲۹-۵۲۹ قبل از میلاد)

به قول زنده یاد مرحوم احمد علی کهزاد تاریخ نویس مشهور کشور تاریخ مدرن افغانستان با همین دودمان هخامنشی ها شروع میشود، زیرا بار اول نامهای نقاط مختلف و اسمای ساکنان آن و حتی اسمای بعضی از رجال این سر زمین در سنگ نبشته های میخی این دوره تذکر یافته است. بنابر آن سال ۵۵۰ قبل از میلاد آغاز دوره تاریخی افغانستان است و تا همان زمان کدام سنگ نبشته ای مبنی بر وقایع تاریخی افغانستان پیدا نشده، این سال شروع دوره تاریخ دوره افغانستان مورد قبول است. (کهزاد، افغانستان در پرتو تاریخ صفحه ۱۱۸ چاپ کابل). طبع رسم الخط، دفترداری، اصول معماری، حجاری، طرز آبیاری و غیره مسایل که ضرورت یک دولت دیده میشود، ایجاد گردید.

در طول تاریخ قبل از میلاد و بعد از میلاد حکاکان و پیکر تراشان متعددی وجود داشته اند، که آثار کار شان از اثر حفاریات در ادوار مختلف تاریخ چون دولت یونانی باختر، کابل شاهان، و غیره به دست آمده است. اما متأسفانه آثاری از نام شان دیده نشده .

دوره کوشانیان (۱۳۵ سال قبل از میلاد الی ۲۴۸ سال بعد از میلاد)

دوره درخشان کوشانیان از آثار بدست آمده شان تثبیت کننده والای ترقی و پیشرفت آن دودمان را در عرصه های مختلف چون حکاکی، زرگری، پیکر تراشی و غیره صنایع دستی تثبیت میکند، طور مثال آثار بدست آمده طلائییه ولایت جوزجان بیان گر این حقیقت است که باعث حیرت جهانیان، خصوصا اهل کسبه زرگران و حکاکان امروز گردیده است. که با کدام وسایل توانسته اند چنین آثار پر محتوا را از خود بجا بگذارند.



از جمله آثار تاریخی که در طلائیپه در دو کیلومتری شرق شهر شبرغان ولایت جوزجان بدست آمده است. در سده های میانه بعد از حاکمیت خلفای راشدین الی غزنویان (۶۴۲-۹۶۳م) آثار هنری حکاکی و حجاری چندان به نظر نمی خورد.

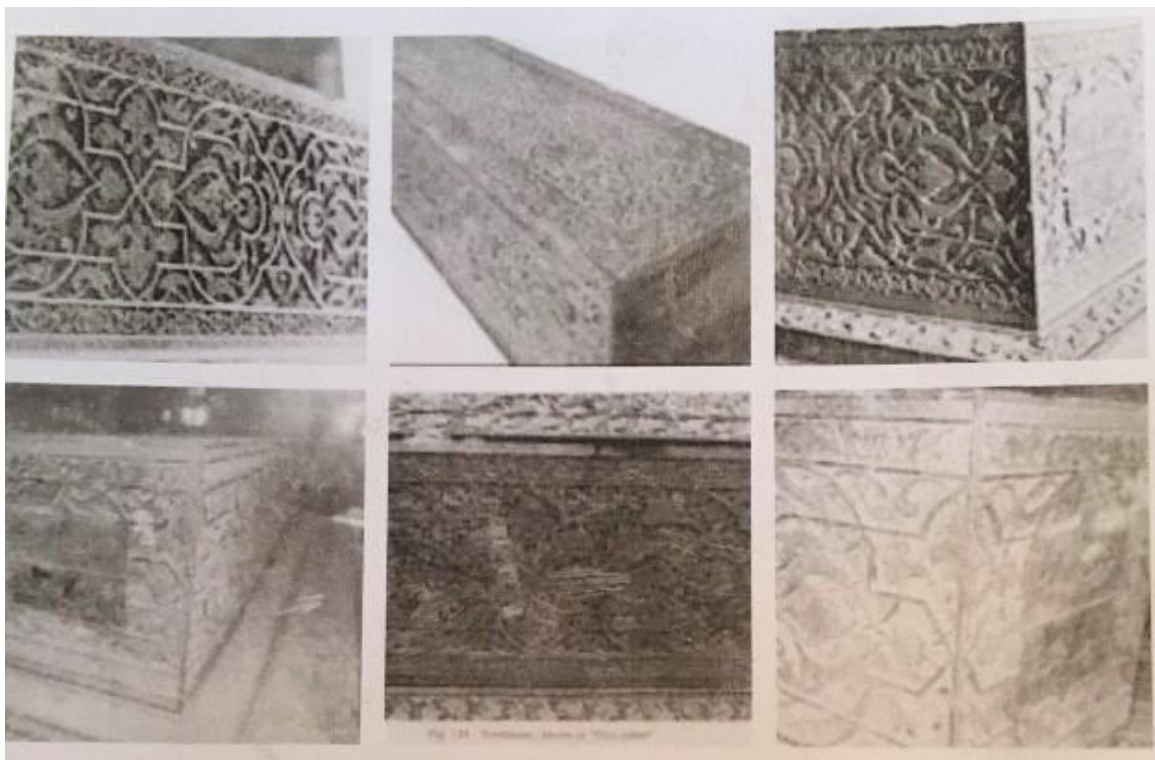
دوره تیموریان (۱۳۷۰-۱۵۰۶ م)

امیر تیمور گورگانی از فامیل چنگیز خان نواده خود سلطان حسین بایقرا را حاکم هرات مقرر نمود. موصوف برخلاف اجداد خود علاقه خاص به هنر و ادبیات، معماری، تعلیم و تربیه و رشد معارف داشت. وی برای بعد از وفات خود مقبره سنگی را فرمایش داد که بنام سنگ هفت قلم یاد میشود. حکاکی این سنگ در سال ۹۰۲ هجری قمری به اكمال رسید. طرح و نقشه آن از طرف کمال الدین بهزاد صورت گرفته و استاد زین الدین حکاک، استاد شمس الدین هروی و میرک نقاش، تحت توجه مولانا جامی و امیر شیر نوایی صدراعظم وقت تیموریان کار شده است.

سنگ مذکور دو صد کیلو وزن دارد، دو متر وسی سانی طول داشته و بین آن به خاطر کم شدن وزن خالی گردیده است و با هفت هنر متفاوت کندن کاری، پرداس کاری و نقاشی با آیات قرانکریم مزین شده است. قبر غریب میرزا در جوار زیارت خواجه عبدالله انصار (رح) موقعیت داشته و بنام سنگ هفت قلم مشهور است که از جمله شاهکار های جهان پنداشته میشود .



سلطان حسین بایقرا دستور داده بود که این سنگ برای بعد از مرگ خودش استفاده شو، اما قبل از خودش پسر جوان شان از دنیا می رود و بالای مقبره غریب مرزا گذاشته میشود.



يك عدد سنگ سرميز كه از جمله شهكار هاي وقت يعني عصر تیموریان هرات است كه به واسطه استاد محترم عبدالعظیم حكاك، كاپي ان حكاکي و به موزیم ملی افغانستان اهدا شده است. ترسیم، انتخاب رنگ سنگ و دیزاین ان قابل تمجید است.



تابلوی مدور گل کاری به قطر نود و دو سانتی متر که توسط استاد عبدالعظیم حکاکزاده در سال ۲۰۰۰ میلاد در مدت یکسال به پایه اکمال رسیده است طور تحفه یادگارمانده گار به خاطر غنامندی هر چه بیشتر موزیم ملی افغانستان از طرف عبدالعظیم حکاکزاده استاد فن حکاکی در انستیتوت فیروزکوه به تاریخ ۲۲/۹/۱۴۰۰ شمسی به ریاست محترم موزیم ملی افغانستان طور رسمی اهدا گردیده است، که دارا ی مشخصات ذیل می باشد.

این اثر هنری که دیزاین، سایز و مواد کارشده در آن نقل از اثر اصلی و قدیمی بوده و به صفات بهتری کار شده است. در متن تابلو بته گل کلان جا داده شده است که در اطراف آن خط دایروی ظریفی از سنگ جید سبز (سنگ یشم) و به تعقیب آن گل ها و پندک های ظریف به شکل حلقوی از سنگ های جید سبز، عقیق سرخ، صدف و کودی سفید کار شده است. در اخیر تابلوی مذکور توسط خط دایره وی کلان از سنگ جید آنرا احاطه کرده است.



در شهر حیدر آباد هندوستان امروزی منطقه مشهور وجود دارد که بنام (گلکنده) بالاحصار حیدر آباد یاد میشود. این منطقه تاریخی در زمان خود مرکز تجارتی احجار قیمتی حکاکی و زرگری بوده است، که از جمله در سال ۱۶۵۶ م الماس تراش شده کوه نور به وزن ۱۰۵,۶ قیرات (یک گرام معادل ۲۱,۱۲ قیرات) نیز از همین ساحه بدست آمده است.



در عکس فوق الماس کوه نور و تاج ملکه انگلستان دیده میشود.

قابل حیرت است، که تراش چنین منرال ها در واقع خلاقیت عالی بشر آن وقت را تمثیل میکند و با گذشت زمان، هنر تراش جواهرات وصیقل سنگ مطابق امکانات و ایجابات عصرکه استادان به نو آوری و خلاقیت و پیشبرد هنر جواهر تراشی نایل آمده اند.

به همین ترتیب اگر به طور خلاصه یاد آور شویم، تاجران عربی با ارتباط با تجاران و کسبه کاران غرب آسیا با استفاده از صنایع احجار قیمتی و حکاکی شده فارس و خراسان به جامعه عربی، درباریان و امیران عرب تجارت شانرا رونق داده، که سنگ لاجورد که از جمله سنگ خاص افغانستان می باشد، همچنان یاقوت، عقیق، زمرد، فیروزه و تورملین در اشیای زینتی درباریان آن وقت دیده شده است، که به وضاحت گفته میتوانیم که هنر جواهر تراشی از همان ادوار قدیم در وطن عزیز مان افغانستان جایگاه خاص خود را داشته است.

جهت دلچسبی خوانندگان عزیز و معلومات بیشتر شان آدرس های اینترنتی ذیل را خدمت تان تقدیم میدارم.

Afghan German Online

تاریخ ۱۲-۰۳-۲۰۲۱ اهمیت لاجورد افغانستان در جهان هنر (نوشته تاریخ نویس شهیر کشور محترم حامد نوید.)
معرفی یاقوت و لعل نوشته تاریخ جیولوج و محقق مشهور افغانستان محترم داکتر عبدالحنان روستایی عضو کمیسیون امنیت حمایت از محیط زیست آلمان در سایت (قاموس کبیر افغانستان).

اهمیت لاجورد افغانستان در جهان هنر

در قرن پانزدهم میلادی یعنی در عصر تیموریان شخصی در افغانستان وجود داشت که به بنام بابا یاقوتی یاد می شد و نام اصلی آن دقیق معلوم نیست، شخص مذکور احجار که درجه سختی بالا داشت مثل یاقوت را تراش کرده و بعد پالش می نمود.

بعد از عصر تیموریان الی عصر بارکزاییها (۱۵۰۶-۱۹۷۳ میلادی)

چنانچه قبلاً: تذکر بعمل آمد اشخاصی مجرب در آن دوره های تاریخی وجود داشته است که متاسفانه اسمای شان قید تاریخ نگردیده، اما آثار شان بدست آمده است.

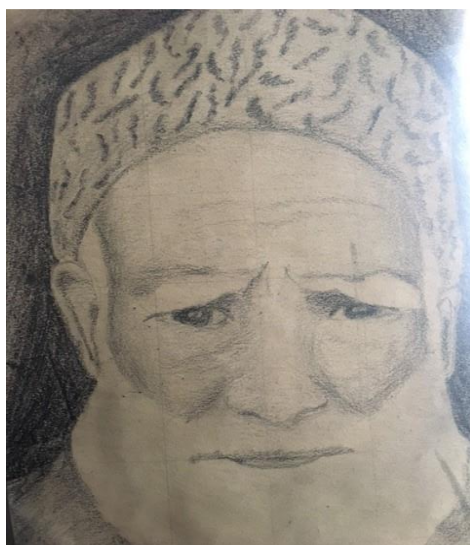
در عصر افشاریان (۱۷۳۸-۱۷۴۷ م) با فتوحات که نادر افشار در ساحه جنوب آسیا کرد، و ساحه قلمروهای شان افغانستان هم شامل بود، الماس کوه نور به دسترسش با غنایم زیاد جواهرات قرار گرفت. چون احمد شاه درانی یکی از سپهسالارهای مقتدر نادر افشار بود، در هنگام مرگ نادر افشار نسبت خدمات زیادی که برای خودش و فامیلش نموده بودند ولایت قندهار و الماس کوه نور را برایش اعطاء کرد، که بعد ها بدسترس انگلیس ها قرار گرفت.

در عصر بارکزایی ها و در زمان امیر شیر علی خان (۱۸۲۵-۱۸۷۹ م) شخصی بنام استاد شمس الدین حکاک می زیست که با وسایل ابتدایی کار حکاکی را انجام میداد که میراث آن به پسرش استاد ملا جمال الدین حکاک رسیده بود همچنان ملا جمال الدین و عبدالحق حکاک در فابریکه حجاری هر دو به شکل رسمی شامل کار گردیده بودند.

در اواخر دوره عبدالرحمن خان و اوایل عصر حبیب الله خان استاد جواهر تراشی بوده است به اسم حیدر خان که موظف تراشیدن مجسمه های باغ عمومی پغمان کابل همراه با یک نفر پیکرتراش از مملکت اتریش وارد افغانستان گردیده بودند.

در اواخر پادشاهی امیر حبیب الله خان و اوایل پادشاهی شاه امان الله، هنرمند چون استاد ملا جمال الدین حکاک که یک حکاک و مهر کن چیره دست بود و در احجار سخت مثل عقیق و یاقوت مهر های معلق و خوانایی را بنام طغرا از طرف چپ برآست و از راست به چپ حک میکردند به ظهور رسید (۱۸۸۳-۱۹۵۸ م).

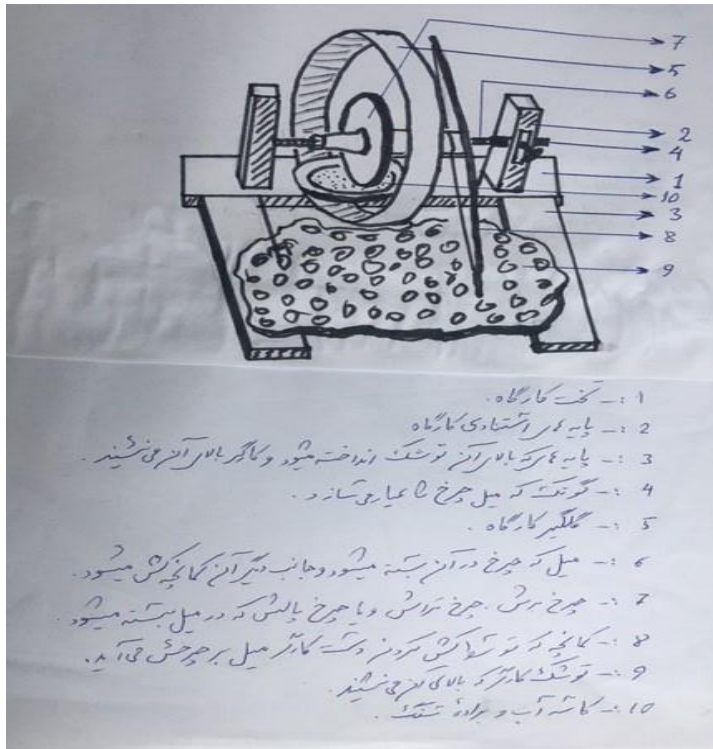
ایشان در شهر کابل در موقعیت سرک غربی آبدیه میوند مقابل پخته فروشی گذر کتاب فروشی متصل به دکان طبابت یونانی قاری محمد شریف ازبک در خانه کوچک قدیمی خویش بسر می بردند . در سال ۱۹۱۳ م در یک دکان که مالکیت باجه اش مرحوم بهاولدین زرگر بود در گذر گاه فروشی کابل شروع به کار تراش و پالش جواهرات نمودند.



معرفی بیشتر مرحوم استاد عالیقدر ملا جمال الدین حکاک نظر به اظهارات شاگرد و همشیره زاده شان مرحوم الحاج عبدالحق حکاک توسط استاد الحاج عبدالعظیم حکاک برشته تحریر رسیده است.

مرحوم استاد جمال الدین حکاک فرزند مرحوم شمس الدین حکاک در سال ۱۲۶۲ هجری شمسی مطابق ۱۸۸۳ میلادی در شهر کابل در گذر کتاب فروشی دیده به دنیا گشودند. موصوف شخص متدین و به نسبت اینکه اطفال محله را درس قرآنکریم تدریس میکردند ، بنام ملا جمال نیز یاد می گردیدند.

استاد ملا جمال الدین در هنر جواهر تراشی و مهر کنی در احجار دست رسایی داشت. نامبرده در دکان کوچکی که در گذر گاه فروشی کابل موقعیت داشت به کار حکاکی و مهر کنی با دستگاه های ابتدایی که خود ایجاد کرده بود، می پرداخت. مهر کنی در آن عصر ضرورت عمده ای دوایر دولتی و مردم عام پنداشته می شد، زیرا امضا رایج نبود. منسوبین دولتی همه جهت داشتن یک عدد مهر نزد استاد جمال الدین مراجعه میکردند . در ضمن حکاکی نگین های قیمتی برای مردم خصوصا زرگر های وقت را نظر به ضرورت و علاقه شان اجرا میکردند .



شکل فوق نشان دهنده مدل دستگاه حکاکی تراش جواهرات را تمثیل می کند. انواع مختلف چرخ ها به منظور استفاده در جهت برش جواهرات، تراش جواهر صیقل کردن و آماده ساختن برای پالاش جواهرات.

1. چرخ برش احجار

جهت ساختن چرخ برش، از یک پارچه فلز تقریباً بیست در بیست سانتی متر آهن چادر نیمی قسمی استفاده میگردید که در ابتداء فلز مذکور را توسط پرکار به شکل دایره وی به قطر بیست سانتی خط نموده و آنرا توسط قیچی آهن بری به شکل دایره وی قطع و بین آنرا به اندازه یک الی یک ونیم سانتی سوراخ می کردند، که شکل منظم چرخ را به خود اختیار نموده و بعد از صیقل کاری در دستگاه که در شکل فوق مدل آن نشان داده شده نصب میکردند. با استفاده از آب و مقداری از پودر کروند در اطراف و لبه چرخ که در دستگاه محکم بسته شده و دور دادن میله با کمانچه دستی و گرفتن سنگ در لبه چرخ، باعث آن میشد که سنگ اره شده و طبق دلخواه پارچه پارچه گردد.

قوه محرکه انسانی توسط یک کمانچه که ریسمان آن (این ریسمان باریک از روده گوسفند آماده میشد) به دور میله تاب خورده و از کشش به طرف چپ و راست صورت می گرفت، سبب دور خوردن چرخ شده و به کمک آب و پودر کروند باعث برش حجر میگردد.



تصویر فوق محترم الحاج استاد عبدالعظیم حکاک را در سال ۱۹۹۷ م نشان میدهد.

2. چرخ تراش

همانطوریکه جهت تیز کاری کارد و قیچی کارگران مربوط چرخ های مورد نیاز خود را تهیه میکردند، قسمی که از دو نوع مواد که متشکل از لاک سرخ رنگ (سرش سخت شده) و ریگ یاقوتی که از قریه جگدک ولسوالی سروبی کابل پیدا می شد، با نوب کردن لاک با حرارت و مخلوط کردن آن با ریگ یاقوتی آنرا در بالای یک سنگ هموار فشار داده و نازک می ساختند، که بالاخره یک چرخ ۵۰-۷۰ سانتی به وجود می آمد. داخل آنرا جهت داخل شدن به میلهء سوراخ کرده و از آن کار میگرفتند، به همین شیوه چرخ تراش احجار به دقت و مواد خاص خودش به ترتیب ذیل ساخته می شد.

در آماده ساختن چرخ تراش جواهرات، از سنگ کروندم که به رنگ گلابی و گلابی سرخی دار بود و از کشور هندوستان وارد می شد، در ساختن چرخ تراش طوری استفاده میکردند که سنگ کروند را که دارای درجه سختی بالا می باشد توسط مارتول و یا چکش کلان به پارچه های خورد تبدیل و بعد در آونگ که از دو پله گلوله توپ جنگ افغان و انگلیس نزد شان باقی مانده بود میزدند.

در قدم اول خاکه آنرا توسط تکه دبل از صافه کشیده و باقی مانده آنرا از یک ظرفی که سوراخ های بسیار میزد داشت و بنام چلنی یاد میشد فیلتر می کردند. حاصل اول فیلتر شده از تکه دبل برای برش کاری و حاصل دوم از فیلتر شده چلنی برای ساخت چرخ تراش استفاده میشد.

جهت ساختن چرخ تراش به اندازه لازم ریگ کروندی حاصل شده از چلنی را همراه با لاک طرف ضرورت در کوره آهنی انداخته و به حرارت نورمال آهسته آهسته با آتشگیر شور داده و مخلوط نموده، سپس قبل از اینکه سرد شود آنرا به سرعت با آتش گیر بیرون کرده در روی سنگ هموار ۳۰ در ۳۰ سانتی متر که قبلاً آماده گردیده، با افشاندن کمی از خاک کروند در روی سنگ فوق الذکر به شکل کروی در آورده همراهِ کارد بر دار با سنگ دستی لشم شکل داده میشد. چرخ حاصله را بعد از سرد شدن به خاطر نصب کردن در دستگاه دستی، میله آهنی را داغ کرده در مرکز چرخ سوراخ ایجاد میکردند. به همین ترتیب چرخ قابل اعتماد شان برای تراش جواهرات بدست می آمد.



3- چرخ صاف کاری (چرخ موا) و آماده ساختن جواهرات برای پالش

چرخ موا یکی از مهم ترین ابزار کار جواهر تراشی می باشد که در قدیم الایام برای ساختن آن روش خاصی وجود داشت که استفاده از آن از مدت زیاد تا عصر حاضر پا بر جا مانده است زیرا ایجابات لازم در مراحل اصیل کار عملی استفاده به عمل می آید، صرف ساختار چرخ موا به سیستم جدید که آنهم الهامی از ساختار گذشته ها حوالی قرون قبلی میلادی قرار داشت، چرخ موا و پالش جواهرات دارای درجه سختی بالا به اصطلاح اهل فن بنام وری یاد می شد، از براده احجار سخت مثل ریگ یا قوتی، سنگ چقمق از آنها کار می گرفتند.

ترتیبات لازم در ساختن چرخ موا طوری بود که برای آماده ساختن آن از مواد ته نشین شده سنگ و مواد چرخ تراش در آب که در جریان تراش کاری و شکل دهی احجار قیمتی در تشت که در زیر چرخ تراش و حلقه آبیگر دستگاه گذاشته می باشد (خت احجار) کار گرفته، تشت متذکره را در جای امن مدتی می گذاشتند تا لایه یا خت آن بکلی ته نشین گردد. سپس تا حد امکان آب آنرا به آهستگی خالی کرده، که خت آن انتشار نکند و بعدا باقی مانده خت و آب آنرا که در ظرف باقی می ماند از تکه مخمل میگذراندند تا که احتمالا اگر دانه های ریگ درشت در آن موجود باشد خارج گردد چرا که موجودیت ریگ در چرخ موا باعث ایجاد خط در حجر تحت کار میگردید. بعد از آنکه مواد متذکره را از مخمل گذشتاندند، آنرا جهت تبخیر آب باقی مانده در آن در جریان هوای آزاد و آفتاب و یا در حرارت قرار می دادند، تا بکلی خشک گردیده و پودر حاصله را با مواد لاک گرم شده خوب مخلوط کرده مانند چرخ تراش بالایش عمل صورت می گردید، یعنی بالای تخته سنگ هموار با سنگ دستی به شکل مدور به سرعت آنرا هموار می کردند و به این صورت چرخ موا بدست آمده و در اخیر با میله داغ شده در وسط آن یک سوراخ جهت نصب آن در دستگاه ایجاد میگردید.

وظیفه چرخ موا آماده ساختن جواهرات برای پالش آن است و همچنان ناگفته نماند که چرخ های مختلف حکاکی نظر به وظایف شان عندالضرورت در دستگاه قابل تبدیل بود.

4-چرخ های پالش و موادیکه در ساختن چرخ ها وپالش جواهرات از آن استفاده میگیرد

1- **چرخ مسی پالش جواهرات:** که معمولا" به قطر ۱۵ سانتی متر و ضخامت ۲-۳ ملی متر برای استفاده در کارگاه دستی پالش جواهرات چون یاقوت یا نیلم (سفایر) توپاز و دیگر جواهراتی که دارای سختی ۸-۱۰ درجه میباشند پالش به نام وری یاد میشود و ساخت خود استادان فن بوده است با به کاربرد پودر وری و تیل سیاه در پالش جواهرات گول (کبیشون) استفاده به عمل می آید.

2- **چرخ پالش سربی :-** چرخ سربی نیز به قطر کمتر از ۱۵ سانتی متر ضخامت ۵-۷ ملی متر از فلز سرب ریخت می شد و در پالش جواهرات نیمه قیمتی مثل لاجورد، تورملین، عقیق و انواع کوارتزها همراه با پودر پالش وری و تیل سیاه و یا مساله سبز کورومونیم اوکساید اکثرا" برای پالش سطوح هموار جواهرات فوق الذکر به کار گرفته میشد.

3- **چرخ های پالش چرمی و نمدی :-** چرخ چرمی تهیه شده از چرم گوسفندی یا گاوی دارای ۲-۳ ملی متر و ۴-۶ ملی متر ضخامت میباشند در پالش کاری سنگ های که دارای سختی ۴-۷ درجه بوده و به شکل بیضوی و یا مدور گول (کبیشون) ساخته شده می باشند. از این چرخ با استفاده از پودر پالش کرومونیوم اوکساید میتوان پالش جواهرات فوق الذکر را انجام داد.

چرخ نمدی نیز همانند چرخ چرمی پالش از نمدی که از قدیم الایام به قسم فرش ساخته میشد تهیه گردیده و برای پالش جواهرات دارای سختی ۲-۴ درجه استفاده می گردد.

به صورت عموم دو نوع چرخ را برای پالش احجار استفاده می کردند . چرخ نمدی و چرخ مسی.

چرخ نمدی که در تهیه آن از نمد تولیدات وطن کار گرفته می شد، با استفاده از نمد سخت با ضخامت تقریبا ۵ سانتی متر و به قطر ۲۰ سانتی متر تهیه می گردید و مرکز آن را جهت نصب در میله دستگاه سنتی سوراخ می نمودند. طوریکه با مواد پالش ساخته شده خود شان و آب جهت پالش نگین های بیضایی و یا سنگ های قابل پالش طبیعی کار می گرفتند.

چرخ مسی که از یک پارچه فلز مس به ضخامت تقریباً ۱,۵ الی ۲ سانتی متر و قطر ۲۰ سانتی متر تهیه می شد، مثل چرخ های دیگر جهت استفاده آن در دستگاه دستی سنتی، مرکز انرا سوراخ و آماده میساختند.

ناگفته نباید گذاشت که استاد جمال الدین حاکاک در ساخت دستگاه حکاکی جواهر تراشی و چرخ های مربوطه آن، از همه مهم تر ساخت مواد جلا کاری پالش دادن کاربرد ذیل تشریح میگردد دست بالا داشتند و از منرال های چون یاقوت، نیلم، و کوارتز ها که درجه سختی بالا دارند کار می گرفتند.

برای پالش منرال های تراش شده شکل داده شده و موا شده درجه سختی ۷ الی ۹، ضرورت بود و برای هر نوع سنگ معادل درجه سختی آن باید وری (مواد پالش) کار گرفته می شد. لذا مواد پالش مثلا برای سنگ یاقوت، از دانه های یاقوت وری آماده می ساختند، برای سنگ های دیگر که درجه سختی بالا نداشتند از احجار عقیق، چقمق و جسیپر ها برای ساخت مواد پالش جواهر که در آن عصر بنام وری یاد می شد استفاده می کردند.

چگونگی تهیه مواد پالش یا وری

اول- مواد پالش را با استفاده از یک هاونگ مخصوص آماده می ساختند. این هاونگ از یک گلوله توپ جنگی که از زمان جنگ افغان و انگلیس نزد شان باقی مانده بود طوری ساخته شده بود که آن توپ را به دو قسمت تقسیم نموده بودند و به دو طرف یک میله فلزی وصل نموده بودند.

دوم- سنگ های وری سایبی که متشکل از دو پارچه سنگ هموار خورد و کلان که درجه سختی نسبتا بالا داشته و در ساییدن احجار هاونگ شده کیفیت وری پایین نیاید، استفاده میگردید.

در ابتدا دانه های خورد و بزرگ احجار در هاونگ خوب کوبیده شده و بعدا از یک تکه دبل از صافه طوری می کشیدند که مواد به شکل پودر خارج می گردید، و بعدا نظر به کار پالش هر منرال از پودر مربوطه استفاده به عمل می آمد.

استاد جمال الدین حاکاک چنانچه قبلا هم ذکر گردید که در قسمت مهر کنندن در احجار سخت هم استعداد خاص داشتند. اما در عصر شان شخص محترم دیگری هم وجود داشت که بنام عبدالواسع مهر کن فرزند عبدالواحد مهر کن یاد میشود که در رشته کار خود استاد زمان بودند و در سال ۱۲۵۲ شمسی کار حک کردن مهر را در سنگ و فلزات آغاز نموده بودند.

دفاتر مرزایی شاه امان الله خان در کابل و ولایات کشور فعالیت داشت و جهت رسمی بودن و شناخت مکاتیب و حکام مامورین عالی رتبه چون قاضیان، وکلا، حاکمان و باقی مامورین وقت ضرورت به مهر داشتند.

استاد مرحوم عبدالواسع مهر کن در ابتدا طبق راهنمایی نورالدین که وکیل گذر چوک کابل بود و پسر کاکای شان می شد شروع به کسب و کار مهر کنی نموده بودند و کار شان تا سال ۱۳۶۲ شمسی عملا جریان داشت، وی در سال ۱۳۸۵ شمسی جهان فانی را وداع گفتند. بعد از وفات مرحوم عبدالواسع مهر کن پسر شان مرحوم محمد حفیظ مهر کن وظیفه پدر را پیش می بردند.



در عکس فوق مرحوم استاد عبدالواسع مهر کن دیده میشود.

مرحوم استاد جمال الدین حاکاک سالهای متمادی همراه با همشیره زاده و شاگرد شان در همان دکان کوچکی که درگذر کاه فروشی کابل که ملکیت بهاولدین زرگر بابه مرحوم استاد جمال الدین و خسر عبدالحق حاکاک بود به کرایه گرفته بودند کار می کردند.

در سالهای شروع سلطنت محمد ظاهر شاه بود که فابریکه حجاری و نجاری کابل واقع (نهردرسن) سرکی که به طرف پل گذرگاه امتداد یافته است به فعالیت آغاز نمود و خدمات مربوط به نجاری (میز، چوکی، دروازه، کلکین، شبکه کاری در چوب و غیره) امور مربوط به نجاری را انجام می داد.

در بخش حجاری مرحوم استاد عبدالشکور خان حجارکه قبلاً" به حیث مدیر فنی حجاری ایفای وظیفه میکرد ایشان یک شخصیت هنری بودند که همراه با شاگردانش کار میکردند و از سنگ های مرمر و رخام کندهار و سنگ رخام میمنه کارهای زینتی که در بر گیرنده ظروف مثل کاسه، بشقاب، خاکستردانی، بکس های سنگی و اجسام دیگری که در آن زمان مورد جلب توجه سیاحین و خریداران داخلی و خارجی بود، با ظرافت خاصی می ساختند.

همچنان در این دوره غلام محمد شیرزاد که به صفت وزیر تجارت دولت ظاهر شاه ایفای وظیفه می نمودند، از طرف شاه وظیفه داشت تا تحفه های که از طرف شاه برای اتباع خارجی و شاهان و روسای جمهور ممالک اهدا میگردد تهیه و به دسترس شاه قرار دهند.

قرار اظهار مرحوم استاد عبدالحق حکاک که همراه با مامایش کار می نمود، برای اولین بار یکی از اراکین وزارت تجارت آن وقت با استاد محترم جمال الدین حکاک قرار صحبت رسمی گذاشتند و از ایشان درخواست ایفای وظیفه منحصی استاد فن حکاکی در فابریکه حجاری و نجاری را نمودند ، ولی از طرف استاد رد شد. موضوع دوبار تکرار گردید و باز هم جواب رد شنیدند، اما بالاخره بار سوم با وجود معاش کم استاد مجبور شد درخواست ایشان را قبول کنند.

قرار گفته های مرحوم استاد عبدالحق او برای شان پیشنهاد کرده بود تا این وظیفه را قبول کنند، فرموده بودند که معاش در دستگاه دولتی کمتر از درآمد شخصی من است. اما ناگزیر جبراً من و استادم به فابریکه شامل وظیفه شدیم، که استادم به حیث مدیر فنی حکاکی و من به حیث شاگرد بخش حکاکی با همان دستگاه دستی سنتی جواهر شکل دهی میشد ، مقرر گردیدیم. که من اولین شاگرد آنجا شروع به کار نمودم که بعداً به تعداد هشت نفر شاگردان ارتقا یافت که در همان دستگاه های ابتدایی مصروف خدمت بودیم.



روزی از روز ها اعلیحضرت محمد ظاهر شاه با یک مهمان شان و وزیر تجارت وقت برای دیدار فابریکه حجاری و نجاری تشریف آوردند و در جریان بازدید ایشان برای مدیر صاحب استاد جمال الدین حکاک و مرحوم استاد عبدالشکور خان سنگ تراش و دیگر همقطاران که جمعا هشت نفر می شدند، استاد عبدالحق حکاک که در آن وقت یک جوان رشید و تنومند بود می فرمایند که اعلیحضرت روبه من کرده برای استاد جمال الدین حکاک و استاد عبدالشکور خان هدایت دادند که هر کدام شان مثل همین جوان در حدود بیست الی سی نفر را استخدام و سطح کار خود را ارتقا دهند، تا این هنر ها به پیشرفت سوق داده شود. به همین ترتیب نظر به امر شاه شاگردان استخدام گردید، اما ایجاب ایجاد وسایل پیشرفته تکنیکی در هر دو بخش حکاکی و سنگ تراشی نظر به تقاضای وقت و زمان را می نمود.

در سال ۱۳۲۵ شمسی دو نفر متخصص آلمانی در بخش های حکاکی جواهر تراشی و حجاری سنگ های مرمر و رخام استخدام گردیدند. که برای کار های حکاکی (برش، تراش، موا، پالش سنگ) ماشین های با قوه محرکه برق ساخته شد. با وجود آن در استفاده از قلم کانی که در انجام بالایی آن نگیان اندام شده توسط لاک برای رخ اندازی نصب می شد کدام تغییری تکنیکی در رفع

مشکلات در سیستم رخ اندازی بطور آزاد بدون کدام اتکاء باقی ماند. از اینرو با نهم ۸۰ فیصد کار حکاکی با دست و مهارت آن انجام میشود.



در عکس فوق مرحوم استاد جمال الدین حکاک را مشاهده می فرمایید، که با کار حکاکی و ماشین با قوه محرکه برق مصروف کار می باشند.

در اثر سعی و تلاش استادان و شاگردان، رییس موسسه مرحوم عبدالطیف خان و کوشش متخصصین خارجی و توجه خاص شاه که وقتاً فوقتاً جهت کنترل چیز های که فرمایش می دادند، کار حجاری و حکاکی ارتقا یافت و مواد مورد ضرورت کار از قبیل چرخ های متنوع و مواد برای برش، تراش، موا و پالش و سرش مخصوص سنگ و غیره از آلمان و ایتالیا وارد می گردید، و ضرورت به ساخت مواد متذکره که با مشقت تهیه میشد نبود. خلاصه یک انقلاب عظیم در عرصه کار حکاکی و حجاری به وجود آمد و فابریکه حجاری و نجاری وسعت پیدا کرد.



بر علاوه تراش سنگ های قیمتی برای نگین های انگشتر لاکت، کره، دستبند که به صورت رخ کشی های الماس تراش انجام می شد، وسایل تزیینی مانند خاکستر دانی، بشقاب، کاسه های سنگی، شطرنج و سگرت باکس ها با سنگ های مختلف به شکل موزاییک تهیه می گردید که پای نقاشان شهیر کشور چون مرحوم مخفور سید مقدس نگاه را نیز جهت تابلو سازی از کاغذ به سنگ به فابریکه کشانید. بنا بر آن فابریکه حجاری و نجاری وسعت پیدا نمود و شاگردان تجارب زیادی را حاصل کردند، که حتی خود شان توانستند موسسات شخصی حکاکی را بنا گذاری کنند.

با کمال تأسف استاد محترم جمال الدین خان در سال ۱۳۳۷ شمسی از اثر سکتته مغزی به عمر هفتاد و پنج سالگی در جریان کار جهان فانی را وداع گفتند انا لله وانا الیه راجعون.

یک تعداد شاگردان شان که هر کدام استاد وقت خود بودند، فابریکه را ترک گفته و موسسات شخصی را ایجاد کردند، و کار حکاکی مربوط و منوط به فابریکه حجاری و نجاری باقی نماند و با همت حکاکان که شاگردان استاد جمال الدین حکاک بودند،

هر کدام شان در عرصه کار و تولید به رقابت پرداخته و در جهت پیشرفت صنعت حکاکی دست آورد ها و شاگردان زیادی را تربیه نموده اند.

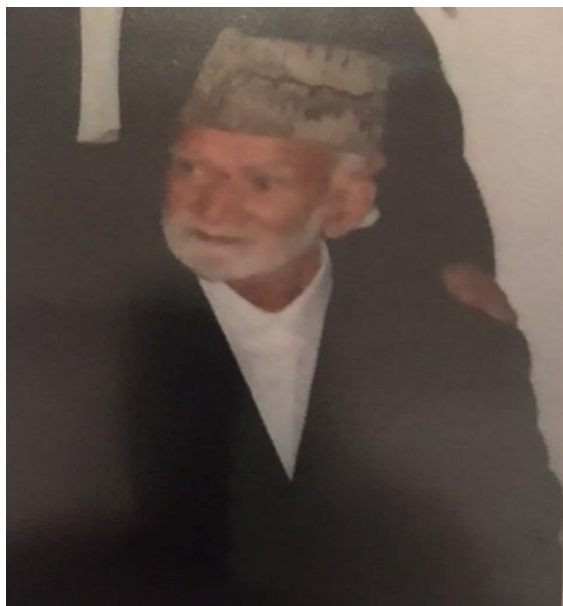
چنانچه تذکر بعمل آمد شاگردان که از طرف مرحوم استاد جمال الدین حکاک تربیه و آموزش داده شده بود همه شان استاد زمان خود گردیده بودند، خصوصا همان شاگردانی که در مرحله اول جذب به کار شده بودند چون مرحومین الحاج عبدالحق حکاک، عبدالله حکاک، در محمد، محمد اسحق، سید یوسف، عبدالفتاح، سید حسین، محمد کبیر و محمد امین حکاک جمالی پسر بزرگ استاد جمال الدین حکاک، از جمله حکاکان مشهور کشور بودند.

فعالیت های هنری حکاکی که در آن عصر صورت گرفته بود همه و همه قابل قدر است و هر کدام به نوبه خود ده ها شاگرد را به جامعه تقدیم نموده اند که معرفی خود شان و فعالیت های شان چشم گیر است و از گنجایش در این تاریخ نامه نسبت عدم حوصله خوانندگان عزیز صرف نظر میکنیم، تنها از فعالیت های پسران مرحوم استاد جمال الدین حکاک و استاد الحاج عبدالحق حکاک نکات چند یاد آور میگردیم.

استاد مرحوم محمد امین حکاک جمالی

استاد مرحوم محمد امین حکاک جمالی مشهور به گل آغا امین حکاک در سال ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۹۳۱ میلادی در منطقه کتاب فروشی کابل چشم به دنیا گشوده اند، نظر به شرایط وقت تحصیل در مکتب ننموده اند اما علوم دینی را از پدر حاصل نموده بودند.

کار حکاکی را با همان دستگاه ابتدایی ساخت پدر که قبلا تشریح شده بود، یاد گرفته و بعدا به تشویق پدر و الحاج عبدالحق حکاک مدتی را در فابریکه حجاری و نجاری به صفت شاگرد ایفای وظیفه نمودند. بعداز فوت پدر فابریکه را ترک گفته و در خانه با دستگاه ابتدایی کار حکاکی را اجرا میکردند، زیرا در فابریکه معاش کافی بدست نمی آمد. وی بعد از فوت پدر مسئولیت اعاشه فامیل را بدوش داشت.



در عکس مرحوم محمد امین حکاک جمالی را مشاهده می فرمایید

ازاینکه کار در ماشین حکاکی به سرعت صورت میگرفت و زرگران وقت فرمایش ساختن و تراش سنگ های قیمتی چون یاقوت، زمرد، تورملین، توپاز، نیلم را که رخ کشی میگرددید و بنام الماس تراش یاد میشد، جهت ساخت زیورات ارایه میکردند، واز این مدرک با استعدادی که داشتند عاید شان هم خوب بود.

سرمایه داران وقت چون متوجه کار و عاید حکاکی طی زمان وقت بودند، در سال ۱۳۴۳ شمسی یک نفر سرمایه دار بنام مرحوم محمد حکیم پیشنهاد کار مشترک را با مرحوم محمد امین حکاک نمودند و یک موسسه حکاکی را بنا نهادند که تولیدات شان تراش و ساخت احجار قیمتی و ساخت ظروف سنگی از سنگ رخام و غیره احجار را در بر می گرفت. استاد محمد امین بعدا با مرحوم نیاز محمد شریک گردیدند و در چهارایی انصاری کابل موسسه حکاکی و حجاری نیاز و محمد امین را تاسیس نمودند.



در عکس فوق از طرف راست مرحوم نیازمحمد، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان، وزیر معادن و صنایع و مرحوم محمد امین حکاک جمالی در هنگام افتتاح نندراتون های صنایع دستی در ساحه منطقه جشن سال ۱۳۴۸ شمسی دیده میشوند .

در همین مقطع تاریخی اتباع خارجی جهت بازدید از مناطق زیبای افغانستان و خریداری صنایع دستی و استفاده از غذا های لذیذ افغانی و دیدن آثار باستانی از هر طریقی به صفت جهانگرد وارد افغانستان شده و اکثرا هتل های مرکز ولایات افغانستان مصروف پذیرایی مهمانان خارجی بودند. لذا در بخش حکاکی، سنگتراشی و زرگری پیشرفت بی نظیر صورت گرفت و موسسات مختلف در گوشه و کنار افغانستان ایجاد گردید.

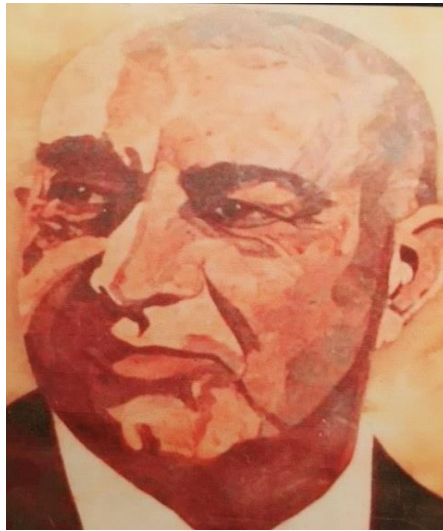
دیری نگذشت که مرحوم محمد امین حکاک جمالی با مرحوم سید اقبال یک موسسه بزرگ حکاکی احجار قیمتی، سنگتراشی از احجار رخام و مرمر و مجسمه سازی را بنام (یما موسسه) در مقابل سفارت پاکستان در شهر نو کابل افتتاح نمودند که نظیر آن در منطقه آسیا وجود نداشت.

موسسه حکاکی، حجاری و مجسمه سازی یما

یما موسسه در سه بخش فعالیت داشت

بخش اول: حکاکی سنگ های قیمتی افغانستان چون لاجورد، زمرد، یاقوت، تورملین، امیتست، توپاز، بیروچ و غیره که به صورت ساده و یا الماس تراش به اشکال مختلف حکاکی میگردد.

بخش دوم: بخش سنگتراشی خاکستردانی، صندوقچه های موزاییک، غوری، بشقاب، از همه مهمتر تابلوی سنگی که توسط رسام های چیره دست کشور چون مرحوم سید مقدس نگاه، مرحوم سید حسین رشیدی رسامی می شد بعدا توسط مرحوم محمد امین حکاک جمالی از رسم کاغذی به تابلوی سنگی که صد ها توته را در بر میگرفت تبدیل میگردد. تابلو های مشهور شان تابلوی بزکشی، دختر افغان، کاروان و تابلوی اولین رییس جمهور افغانستان مرحوم محمد داود می باشد.



بخش سوم: بخش سوم کار یما موسسه امور مجسمه سازی را در بر می گرفت و این بخش در افغانستان در تاریخ معاصر سابقه نداشت. وزارت معادن و صنایع وقت افغانستان دست به ابتکاری زد که این صنعت را که در چین خیلی رونق داشت در افغانستان هم به کمک چینیایی ها وارد نمود، قسمی که یک تعداد مامورین خصوصا طبقه انانث را با بورس های تحصیلی در این رشته به مملکت چین اعزام نمود. مامورین متذکره بعد از ختم تحصیل به وطن بازگشت نموده و در دستگاه های که از طرف چینیایی ها در وزارت معدن اعمار شده بود مصروف کار و تولید گردیدند و از سنگ های مختلف کشور مجسمه های خورد وکلان تزیینی را برای مشتریان خارجی و داخلی می ساختند.

مامورین انانث متذکره از طرف یما موسسه بعد از وقت رسمی (از ساعت ۵ الی ۸ شب) جهت اجرای کار جذب گردیده و ماشین های مربوط مجسمه سازی برای شان تهیه گردید که آنها بتوانند کار کنند. کار های شان همراه با کارهای دیگر حکاکی و سنگتراشی و تابلو سازی از سنگ، یما موسسه را به سطح جهانی مشهور و با اعتبار ساخت که در نتیجه قرارداد های مهم بین یما موسسه و موسسات اروپایی و امریکایی صورت گرفت.

در اثر واقعه هفت ثور ۱۳۵۷ شمسی، نسبت عدم حضور جهانگردان خارجی خصوصا از اروپا و امریکا تمام صنایع دستی مثل حکاکی و تراش سنگ، زرگری، انتیک فروشی ها، چرم گری و دیگر صنایع دستی منحل گردیده و از بین رفت که در آن جمله موسسه یما هم نتوانست بعد از گذشت یکسال به فعالیت خود ادامه دهد.

مرحوم محمد امین حکاک جمالی از اثر جنگ های داخلی مجاهدین مثل سایر هموطنان ابتدا به پاکستان مهاجر و نظر به تقاضای مقامات پاکستانی تابلوی قاعد اعظم پاکستان را آماده ساختند. وی بعدا در سال ۱۹۹۸ میلادی به استرالیا همراه با فامیل پناهنده گردیدند و به تاریخ ۰۲-۱۲-۲۰۱۵ میلادی به عمر ۸۴ سالگی در شهر ملبورن استرالیا جهان فانی را وداع گفته و به خاک سپرده شدند، روح شان شاد باد.

از جمله پسران آن مرحوم محترم انجنیر محمد شفیق حکاک جمالی و محترم محمد احسان حکاک جمالی و محمد منصور جمالی درر شته و مسلک کار پدری دسترسی فوق العاده دارند که در ایام مهاجرت در پاکستان مصرف فامیل های خود را از همین حرفه تمویل میکردند .

پسر بزرگ مرحوم محمدامین حکاک جمالی در مورد خویش چنین اظهار میدارند: هنگامیکه خوردسال بودم از سنگ های که پدرم می تراشید خوشم می آمد و میخواستم من هم یک زمان یک حکاک و یک سنگتراش خوب باشم و درایام رخصتی مکتب همراي پدرم در یما موسسه می رفتم و از پدرم میخواستم که سنگ برایم بدهد تا چیزی از آن بسازم. در آن زمان تقریبا نه ساله بودم درنخست از سنگ های رخام به ساخت تخم سنگی شروع نمودم و همه مرا تشویق مینمودند خصوصا پدرم و یکی از شاگردان پدرم محترم استاد عبدالفتاح که شخص خوب و یک حکاک ماهری بود(فعلا" استاد در انستیتیوت فیروز کوه) همیشه طریق تراش نمودن سنگ را برایم یاد میدادند و بعدا به ساختن خاکستردانی و پروانه های رنگارنگ شروع کردم . همیشه از پدرم درمورد سنگ ها و مواد کار می پرسیدم از همین رو ساختن چرخ های که در آن زمان از قلعی و سرب برای پالش بدست خود درست میکردند و همچنان چرخ های برای تراش نگین های مانند بیروج، زمرد، اکومرین، کنزیت، یاقوت، نیلم و غیره جواهرات تهیه می نمودند که کار آن خطرناکتر است آموختم. اما دیری نگذشت که واقعه هفت ثور صورت گرفت و صنایع دستی از بین رفت اما من همت را از دست ندادم و با وجود درس مکتب یک دکان را در مقابل سفارت فرانسه در شهرنو گرفتم تا فامیل راکمک کنم. کسانی بودند که مرا تشویق و کمک میکردند، مثل ریس اتحادیه حکاکان محترم عبدالوکیل و محترم حاجی محمد قاسم، کاکا عبدالرشید و محترم عبدالباقي خالقی.

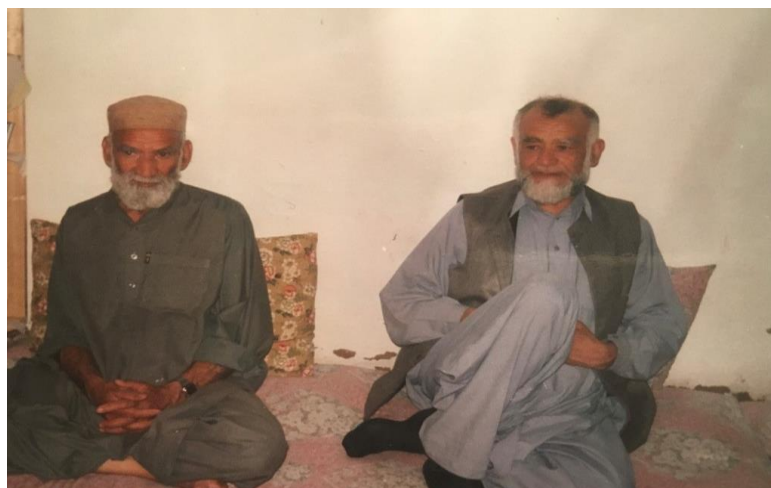
در سال ۱۳۶۴ شمسی از مکتب فارغ شدم و به خدمت عسکری شامل گردیدم. بعد از فراغت عسکری نظر به علاقه شخصی و تشویق کاکایم انجنیر محمد رفیق جمالی شامل فاکولته ساینس رشته جیولوجی شدم. بعد از فراغتم از پوهنتون در اواخر عصر دولت داکتر نجیب الله جنگ های تنظیمی در داخل افغانستان شروع گردید، مجبور به ترک وطن گردیده و به پاکستان مهاجر شدیم، در پاکستان هم در شهر پشاور همراه با فامیل های حکاک جمالی و حکاکزاده مصروف به کار بودیم. نظر به دوام جنگ ها در کابل وعدم شرایط مساعد در وطن در سال ۲۰۰۵ میلادی همراه با اعضای فامیل به استرالیا مهاجرت نمودیم. در ابتدا با یک کمپنی که کار میز های آشپز خانه را می نمودند شامل کار شدیم. در استرالیا سنگ مخصوص شان بنام اوپل یاد میشود که انواع مختلف را میتوان دست یاب کرد. بر علاوه خودم که مصروف کار حکاکی می باشم، پسر عزیزم هارون جان نیز در کار پیشه پدر دسترسی کامل حاصل نموده اند.



در عکس های فوق محترم محمد شفیق حکاک جمالی همراه با پسر شان محمد هارون جمالی با کارکرد های شان در کشور استرالیا مشاهده می فرمایید.

پسر دوم مرحوم جمال الدین حکاک بنام محمد فاروق حکاک جمالی در سال ۱۹۳۷ میلادی در شهر کابل تولد گردیده، درجه تحصیل شان در رشته برق تا صنف نهم لیسه میخانیک کابل می باشد که بعد از ختم مکتب شامل وظیفه در وزارت آب و برق وقت گردیده و بعدا جهت تحصیل به آلمان سفر نمودند و بعد از ختم تحصیل به وطن بازگشت نموده و وظیفه رسمی را تا مدت یک سال در مربوطات وزارت آب و برق اجرا کردند. اما بعدا از وظیفه منفصل و به کار و مسلک پدری حکاک پرداختند. و یک موسسه حکاک را در شهر نو کابل مقابل صدارت عظمی در دکان های که مربوط پسر شاه محمود خان میشد ایجاد کردند. که آن هم بعد از واقعه هفت ثور مثل سایر صنایع دستی از کار افتید و از بین رفت.

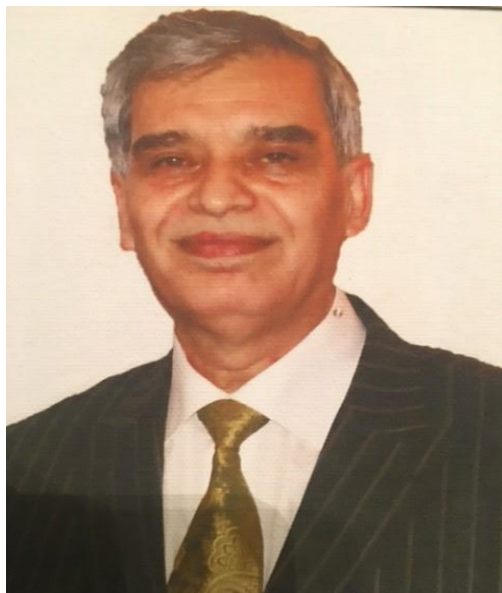
محترم محمد فاروق حکاک جمالی به تاریخ ۰۵-۱۲-۲۰۱۵ میلادی در شهر کابل به عمر ۷۸ سالگی وفات نمودند. روح شان شاد باد.



در عکس فوق از طرف راست مرحوم محمد فاروق حکاک جمالی و مرحوم محمد امین حکاک جمالی دیده می شوند. فرزند مرحوم محمد فاروق حکاک جمالی محمد آرش جمالی نام دارند که در رشته حکاک دسترسی دارند و فعلا در آمریکا بسر می برند.



پسر سوم مرحوم جمال الدین حکاک بنام انجنیر محمد رفیق حکاک جمالی یاد میگرد که در سال ۱۹۵۰ م در شهر کابل تولد گردیدند، اما در سن کودکی هشت سالگی پدر را از دست دادند. وی کار حکاک را از برادر مرحوم خود محمد امین حکاک جمالی آموخته اند.



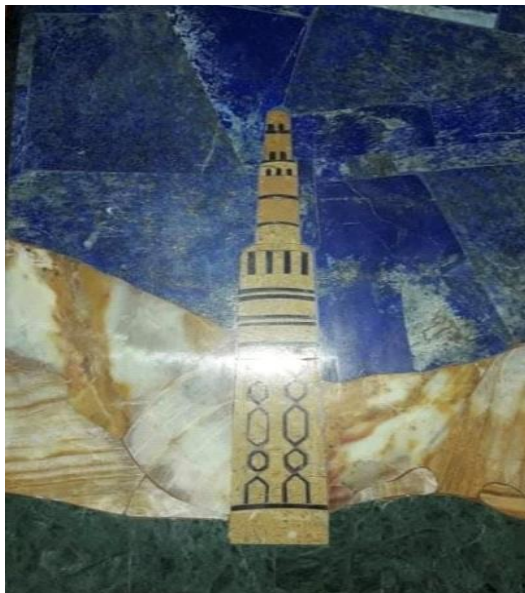
انجنیر محمد رفیق حکاک جمالی بعد از فراغت از مکتب و دانشگاه کابل در رشته جیولوجی در تفحصات نفت و گاز شمال شامل و بعدا در مربوطات وزارت آب و برق در بخش ریاست آبیاری به صفت انجنیرساحه، مدیر فنی، مدیر هایدرو جیولوجی، معاون ریاست آبرسانی و در اخیر به صفت رییس آبرسانی وزارت آب و برق ایفای وظیفه نموده اند. نسبت مصروفیت های دولتی از دسترسی کامل به شغل پدری متاسفانه به دور مانده و فعلا در آلمان بسر می برند.

نواسه های دختری مرحوم جمال الدین حکاک بنام های محمد فرید خالدي، محمد نجیب خالدي، محمد خلیل خالدي و محمد جلیل خالدي همه دسترس مکمل در کار حکاکي دارند چنانچه محترم محمد نجیب خالد فعلا" در شهر نو کابل دستگاه حکاکي داشته و شاگردان زیادی در دستگاه شان شامل کار اند. محترم محمد جلیل خالدي استاد حکاکي در انستیتیوت فیروز کوه ایفای وظیفه مینمایند.

در عکس ذیل محترم محمد جلیل خالدي را مشاهده می فرمایید.



چند قطعه عکس از کارکرد های حکاکي جلیل خالدي



بیوگرافی و کارکرد های استاد عبدالحق حکاک

حاجی عبدالحق حکاک ولد عبدالوهاب در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی در قریه زنده بانان گذر پوستین دوز ها مربوط ناحیه دهم آن وقت که در جوار تپه مرنجان شهر کابل قرار داشت بدنیا آمده پدرش یک شخص متقی و سخاوتمندی بود که پیشه یی پوستین دوزی داشت.

استاد عبدالحق حکاک در سال ۱۳۰۵ هجری شمسی در سن ده سالگی نزد مامایش استاد محمد جمال الدین حکاک که استاد ماهر جواهر تراشی و مهرکنی آن عصر بود شاگرد شد.

بعد از ایجاد فابریکه حجاری و نجاری در اوایل تشکیل دولت شاهی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، مدیریت فنی حجاری را مرحوم عبدالشکور خان حجار در فابریکه حجاری و نجاری بدوش داشتند. نظر به هدایت شاه از طریق وزارت تجارت وقت که مسولیت آن را غلام محمد شیرزاد بدوش داشت، به طور رسمی استاد جمال الدین حکاک و مرحوم عبدالحق حکاک که شاگرد مامای خود بود در فابریکه شامل کار شدند، که جریان آن قبلا توضیح داده شد.

دیری نگذشت که شاگردان بخش مدیریت حکاکی تعداد شان افزوده شد و غیر از مرحوم عبدالحق حکاک اشخاص دیگر چون، عبدالله حکاک، در محمد حکاک، محمد اسحاق حکاک، سید محمد یوسف حکاک، سید حسین حکاک و محمد کبیر حکاک جذب مدیریت فنی حکاکی شدند و به اثر زحمات خالصانه مدیر صاحب جمال الدین همه شان به ماهرین و استادان خوبی عرض اندام کردند. از انجمله استاد عبدالحق حکاک چون قبلا سابقه کاری داشتند، در قدم اول از فابریکه حجاری و نجاری فارغ و به دکان شخصی در گذر کاه فروشی شروع به کار کردند.



مرحوم استاد عبدالحق حکاک در این زمان به اندیشه آن شدند که جهت انکشاف و سهولت کار حکاکی باید به عوض دستگاه های سنتی دستی، از ماشین های که به قوه برق در حرکت می افتند استفاده کرد. به همین منظور استاد عبدالحق نقل ماشین افتاده غیر منقول جواهر تراشی که توسط ویرکویزر آلمانی در فابریکه ساخته شده بود در منزل خود با وجود مشکلات تکنیکی در کار ساختمان آن در مدت لازم به پایه اکمال رسانید و آماده بهره برداری نمودند.

محترم الحاج عبدالعظیم حکاک پسر مرحوم عبدالحق حکاک که افتخار همراهی پدر خود را داشتند در زمینه امور متذکره اظهار میدارند: "در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی که مدیر صاحب عبدالشکور خان از وظیفه در فابریکه حجاری و نجاری باز نشسته شده بودند، همراهی پدرم به منزل شان که در کارته چهار موقعیت داشت رفتیم، پدرم با ایشان هم صحبت شدند و پیشنهاد کرد که با هم به طور مشترک وارد بازار شوند، مدیر صاحب عبدالشکور خان از ناتوانی جسمی خود یاد کردند، اما پدرم بلافاصله فرمودند که شما را زحمت نمی دهیم صرف اینقدر که جوانان ما تحت رهبری و راهنمایی شما چیزی از هنر حجاری بیاموزند، در این موضوع مدیر صاحب کمی مکس کردند و پیشنهاد پدرم را قبول فرمودند."

پدرم در سرک چهاراهی شهید شهر نو کابل به نزدیکی چهاراهی حاجی یعقوب دکانی را به کرایه گرفته و بنای اولین دستگاه حکاکی ماشینی را در بازار گذاشت. که خوشبختانه اولین شاگرد مرحوم عبدالشکور خان در همان دکان اینجانب می باشم. استاد حاجی عبدالحق حکاک بنای اولین دستگاه برقی حکاکی و حجاری را نهادند و در نیمه سال ۱۳۴۰ هجری با شامل شدن پسران مرحوم عبدالشکور خان حجار، بنام های محترم عبدالرب و محترم عبدالعزیز و پسر استاد عبدالحق بنام عبدالعظیم در ورکشاپ حکاکی و حجاری در سال ۱۳۴۱ هجری شمسی با راهنمایی های استادان مجرب دست به کار شدند. اجناس ظریف و مقبول سنگی و تراش جواهرات قیمتی از سنگ های لاجورد، عقیق، یاقوت و تولیدات زیبا از سنگ های رخام لشکرگاه و میمنه و دیگر لوازم تزینی سنگی با زیبایی پالش خاص آن تولید و عرضه میگردید.



در عکس های فوق ماشین های پالش سنگ و برش سنگ را مشاهده می فرمایید.



بعد از مدت یک سال یعنی در اوایل سال ۱۳۴۲ هجری شمسی شرکت حکاکی و حجاری منحل و یک موسسه جدید حکاکی بنام جمال موسسه در پهلوی سفارت پاکستان در شهر نو کابل توسط مرحوم عبدالحق حکاک نظر به احترام که به استاد خود مرحوم جمال الدین حکاک داشت، موسسه خود را بنام شان مسما کرد .
موسسه بزرگی با داشتن دوازده نفر شاگرد به راهنمایی استاد عبدالحق حکاک و سرپرستی استاد عبدالعظیم حکاک، آغاز به کار کرد که با گذشت یک سال ماهرین خوبی را در فن جواهر تراشی و حجاری تربیه و به جامعه تقدیم نمود.

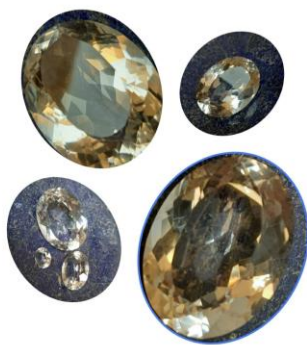
موسسه حکاکی و حجاری جمال

مرکز تراش جواهرات قیمتی و نیمه قیمتی

موسسه حکاکی جمال از بدو تاسیس الی سال ۱۳۴۷ هجری شمسی توانست انواع تولیدات خود را روز بروز رنگین تر ساخته، تراش احجار قیمتی و نیمه قیمتی چون لاجورد، امیتیست، عقیق، فیروزه، یاقوت، زمرد، اکومرین، تورملین، کنزیت، جید را با طرح و دیزاین متنوع تراش و عرضه نماید.



دیزاین رخ کشتی تراش سنگ های قیمتی



این موسسه ادغام سنگ ها خصوصا لاجورد و مالاکیت را در زیورات طلا و نقره به شکل پرکاری رایج کرده و به دسترس زرگران قرار می داد. همچنین انواع مختلف تولیدات سنگی مانند بکس های ساده، بکس های رویکش لاجورد، و بکس های سنگی به دیزاین موزاییک و گل کاری همچنین ظروف سنگی از سنگ های رخام کندهار و رخام میمنه به شکل کاسه، غوری مدور و بیضایی، شطرنج سنگی و حتی میوه جات سنگی برای دیکور روی میز و تابلو های کوچک و بزرگ که در روی سرپوش بکس ها، سر میز و دیوار ها از سنگ پرکاری میگردید، جهت تزیین سالون ها به صورت خیلی مرغوب در موسسه حکاکی جمال ساخته میشد و به بازار های داخلی و خارجی عرضه میگردد.



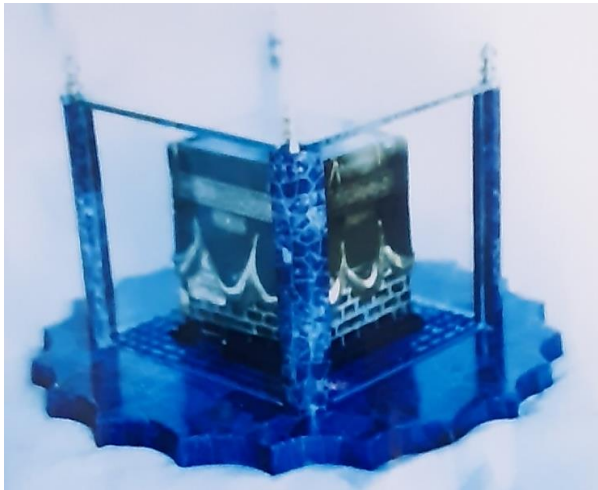


در عکس طرف فوق، طرف راست شاهزاده احمد شاه حین افتتاح نمایشگاه موسسه حکاکی جمال و طرف چپ مرحوم عبدالحق حکاک دیده میشوند.

همین طور در نمایش های هنری که در جریان سال های حاکمیت شاهی محمد ظاهر از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان در جوار کابل ننداری دایر میشد، در سال ۱۳۵۲ شمسی یکی از آثار این موسسه که تخته شطرنج سنگی با دانه های آن که از سنگ به صورت ظریف ساخته شده بود، برنده جایزه نقدی و تقدیر نامه شناخته شد. جهت تشویق صنایع دستی چون حکاکی، زرگری، قالین بافی، چرمگری و غیره امور صنایع دستی از طریق وزارت تجارت وقت شرکت مختلط بنام امپوریم تاسیس گردید که در قسمت معرفی امور متذکره به خارج و داخل سهم مهم را ایفا می نمود.

به تاریخ ۳/۳/۱۳۵۶ شمسی امپوریم از جمال موسسه دعوت بعمل آورد تا یک نفر نماینده شان را با یک مقدار آثار کار شده شان معرفی نمایند تا در نمایشگاه بین المللی در شهر کوپنهاگن دانمارک اشتراک کنند، بدین مناسبت از طرف ریاست جمال موسسه استاد عبدالعظیم حکاکزاده معرفی گردیدند، که در نتیجه صنایع دستی حکاکی جمال موسسه طرف توجه زیاد شرکت کننده گان نمایشگاه قرار گرفت. قابل تذکر است که جمال موسسه طی سالهای ۱۳۴۲ الی اخیر سال ۱۳۵۷ شمسی به پیشرفت های چشمگیر دست یافت، اما با کمال تاسف با بوجود آمدن حکومت دیموکراتیک خلق افغانستان نسبت قطع روابط جهان غرب و امریکا با کشور، صنایع دستی به شمول تراش سنگ از رشد باز ماند.

سال ۱۳۵۷ شمسی که تحول هفت ثور بوجود آمد، دولت جمهوری افغانستان به رهبری محمد داود سرنگون و به عوض آن دولت دیموکراتیک خلق افغانستان جاگزین گردید، تمام صنایع دستی که از خارج کشور خریدار داشت فعالیت شان از رشد باز ماند هر چند دولت در زمینه کوشش های نسبی را براه انداخت اما به جایی نرسید. کار تراش سنگ و جواهرات نیز محدود به ضرورت کار زرگران شد و آن هم جنبه فروش خارج از کشور را نداشت.



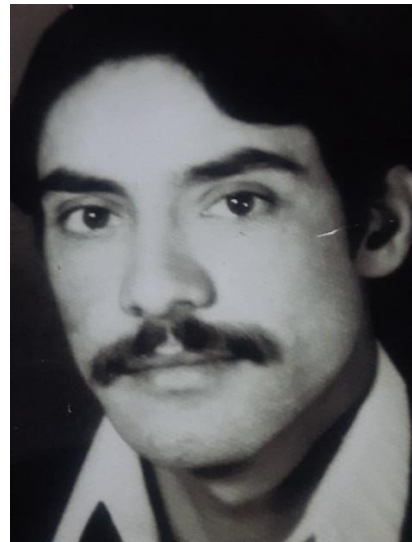
استاد عبدالعظیم حکاکزاده توانست موسسه حکاکی جمال را با وجود رکود اقتصادی عمومی صنایع دستی تا سال ۱۳۶۱ شمسی اداره و کنترل نماید، اما متأسفانه نظر به تقاضای وقت در همان سال به خدمت عسکری جذب گردید و از طرف دیگر پدر

بزرگوارشان استاد عبدالحق حکاک به تاریخ ۱۸/۲/۱۹۹۲ م به عمر هفتاد و شش سالگی جهان فانی را وداع گفتند. انالله و انا الیه راجعون.

عرصه کار جمال موسسه و موسسات دیگر صنایع دستی در عصر اعلیحضرت محمد ظاهر شاه خوب درخشید و تا سال ۱۳۵۲ شمسی که دولت شاهی به جمهوری افغانستان مبدل شد دوام کرد. دولت جمهوری افغانستان به ریاست محترم محمد داود تا سال ۱۳۵۷ شمسی دوام نمود، که درین مدت پنج سال صنایع دستی به شمول تراش سنگ آنقدر رشد که توقع میرفت نکرد. از سال ۱۳۵۷ شمسی که شروع حکومت حزب دیموکراتیک خلق می باشد الی ختم دولت داکتر نجیب الله و آمدن مجاهدین در افغانستان و جنگ های داخلی شان و بالاخره آمدن طالبان سبب گردید که یک تعداد زیاد هموطنان ما از وطن مهاجرت نموده و به ممالک همسایه پناه گزین گردند و در جمله فامیل های مرحومین استاد جمال الدین حکاک و عبدالحق حکاک نیز شامل بودند. پسران مرحوم عبدالحق حکاک دستگاه های حکاکی در شهر پشاور پاکستان را بنا نهادند و شامل کار گردیدند که در نتیجه دست آورد های خوبی نیز داشتند.

حال می پردازیم به معرفی پسران مرحوم عبدالحق حکاک:

استاد عبدالعظیم حکاکزاده متولد سال ۱۳۲۸ هجری شمسی در محله پوستین دوزهای زنده بانان شهر کابل به طرف شمال تپه مرجان دیده به دنیا گشوده اند. از لیسه نادریه فارغ و در سال ۱۳۴۵ شمسی با پدر محترم شان در موسسه حکاکی جمال به صفت سرکارگر آغاز به کار نموده و به توسعه هنر حکاکی و تربیه شاگردان پرداختند.



با واقعه یازدهم سپتامبر تحول دیگری در دولت افغانستان به وجود آمد، طالبان توسط قوای بین المللی از بین رفت و دولت موقت به رهبری آقای کرزی جا گزین دولت طالبانی شد.

شرایط کار در افغانستان مهیا شد و پسران عبدالحق حکاک دوباره به وطن عودت نمودند، و فعالیت های خود را از سر گرفتند. استاد عبدالعظیم حکاکزاده از خاطرات خود ابراز میدارد که:

بعد از نشست سران افغان در شهر بن آلمان و انتخاب حامد کرزی به حیث ریس جمهور موقت افغانستان، ایشان بدعوت رسمی دولت بریتانیا عازم آن کشور گردیدند. در این سفر ریس جمهور کرزی به همراهی شاهزاده چارلس در بازدید بعضی مراکز علمی و هنری لندن از موسسه جیولری ستی ایند گلدز که بیشتر از یکصد نمایندگی در شهر های مهم دنیا دارد، دیدن کردند.

در جریان بازدید ایشان از این نهاد ریس جمهور کرزی پیشنهاد نمودند که اگر چنین موسسه در افغانستان هم به کمک دولت شاهی بریتانیا تاسیس گردد، که از طرف شاهزاده چارلس وعده همکاری داده شد.

به همین اساس انسیتیوت فیروز کوه به همکاری مالی شخصی شاهزاده چارلس در سال ۲۰۰۶ م داخل شهر قدیم کابل (مراد خانی) بنیاد گذاشته شد.



خانم تالیا یکی از متعلقین خاندان سلطنتی انگلستان به حیث ریس و محترم عبدالوحید خلیلی به حیث معاون و محترم احمد جاوید پایا به صفت مدیر اداری انستیتیوت منسوب گردیدند. انستیتیوت فیروزکوه با تشکیل تعلیمی و تحصیلی سال ۲۰۰۶ م فعالیت ابتدایی خود را آغاز کرد که دارای دیپارتمنت های خطاطی و میناتور، نجاری سبک کلاسیک و نورستانی، سرامیک (کلالی استالفی)، حکاکی احجار و تراش سنگ، با صنوف درسی لسان دری، پشتو، انگلیسی، و مضامین تجارت، کامپیوتر، دیزاین گرافیک، ثقافت اسلامی، تاریخ هنر، شامل پروگرام تدریسی انستیتیوت می باشد، که در صنوف دهم، یازدهم و دوازدهم تدریس میشود، که بعد ها توانست عضویت موسسه جیولری سٹی آیند گلدز را نیز داشته باشد، که امتیاز آن در بالا بردن سویه علمی محصلین تاثیر قابل ملاحظه می نماید.

نهاد هنری جیولری سٹی آیند گولدز در نتایج امتحانات فارغین سال سوم انستیتیوت فیروز کوه نیز سهمیم بوده به دلیل اینکه اسناد تاییدی معتبر بین المللی را برای محصلین سال آخر انستیتیوت بعد از بررسی کار عملی و توضیحات کتبی آنها را مطالعه و بعد از تعیین درجه علمی محصل آن را دوباره ارسال میدارند و از جانب انستیتیوت برای محصلین مستحق آن توضیح میگردد. در سال ۲۰۰۶ م نظر به پلان انستیتیوت جهت ایجاد دیپارتمنت جیولری اقدام صورت گرفت.

استاد عبدالعظیم حکاکزاده اظهار میدارند که هیبتی متشکل از عبدالوحید خلیلی معاون و خانم صوفیا مشاور دفتر فیروزکوه، آدرس که از یکی دوستانم در مورد سابقه کارم گرفته بودند، مطمئن شدند که شخصی در مارکیت امپوریم صنایع دستی در امتداد سرک وزارت داخله بنام استاد عبدالعظیم حکاک وجود دارند، بلافاصله آقای خلیلی و خانم صوفیا به آدرس دکانم تشریف آوردند و حرف خود را چنین اظهار نمودند:

در انستیتیوت فیروزکوه برای ایجاد دیپارتمنت حکاکی جواهرات به استاد راهنمای حکاکی نیاز است، اگر شده بتواند به حیث استاد رهنما در تربیت شاگردان فن حکاکی با ما همکاری شوید!

طوریکه به کار نیم روز با امتیاز ۳۰۰ دلار امریکایی برایم پیشنهاد شد. من جواب سوال شان را به روز آینده قرار گذاشتم. فردای آن روز امر مالی و معاون شان برای نتیجه گیری موضوع دوباره تشریف آوردند و با معاش ۵۰۰ دلار توافق حاصل شد و به تاریخ ۲۹-۰۶-۲۰۰۸ م الی تاریخ ختم سال ۲۰۲۲ م همه ساله عقد قرارداد نمودیم.

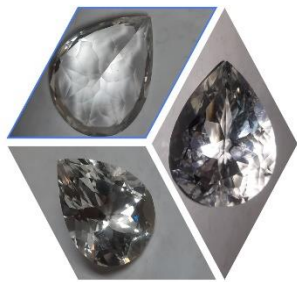
البته کارکرد هایم در موسسه فیروز کوه در تعلیم و تربیه ابنای جوان وطن اعم از دختران و پسران در فن مقدس جواهر تراشی و دیگر رشته های شش گانه حکاکی به موفقیت های چشمگیر پیوست و خداوند را سپاسگزارم که توفیق و توان هر چه بهتر در انجام این کار را در سال های متمادی برایم اعطا کرد.

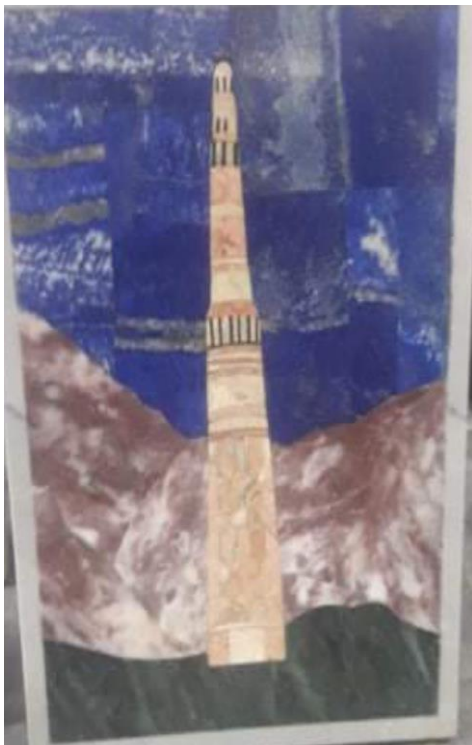


شاگردان ابتدایی دبیرتمنت حکاکی با دستگاه ابتدایی که اختراع آن قبل از قرن دهم ه ش بوده است.



استاد عبدالعظیم حکاگرزاده در بین شاگردان دبیرتمنت حکاکی فیروزکوه





نمونه های کاری شاگردان فیروزکوه.



یک تعداد ابزار کار حکاکی و در اخیر استادان بخش حکاکی فیروزکوه دیده میشوند.

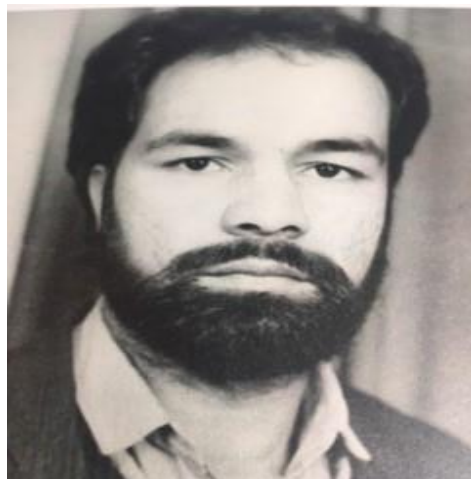
پسران دوم ، سوم و چهارم مرحوم عبدالحق حكاك كه به مسلک تراش سنگ بلديت كامل دارند و اكثرًا به صورت متحد با راهنمایی های پدر و برادر بزرگ شان استاد عبدالعظيم حكاكزاده فعاليت نموده اند مختصراً معرفی میگردند.



محترم عبدالرحيم حكاكزاده متولد سال ۱۳۴۳ شمسی در ناحیه قلعه شاده كابل



محترم عبدالكريم حكاكزاده متولد سال ۱۳۴۴ شمسی در ساحه قلعه شاده كابل.



محترم عبدالحكيم حكاكزاده متولد سال ۱۳۴۷ شمسی در قلعه شاده كابل.

چنانچه قبلاً تذکر بعمل آمد زندگی بالای پیشه وران بعد از تحول هفت ثور ۱۳۵۷ شمسی، تحول آمدن مجاهدین در كابل به تاریخ هشت ثور ۱۳۷۱ شمسی، مسلط شدن طالبان در سال ۱۳۷۵ شمسی، و تغییر رژیم دولتی افغانستان در سال ۱۳۸۰ شمسی مطابق ۱۳ نوامبر ۲۰۰۱ م از امارت به جمهوریت و آمدن قوای بین المللی در افغانستان، حاکی از ناملایمت های چون مشکلات اقتصادی،

مهاجرت ها به کشور ها همسایه و تلفات مالی و جانی را در بر داشته است. که از جمله پیشرفت های که در امور تراش سنگ به وجود آمده بود، توقف و حتی در داخل وطن محو گردید اما پسران مرحوم عبدالحق حکاک روحیه خود از دست نداده در حالیکه در مهاجرت به سر می بردند، به کار مسلکی شان در پشاور پاکستان ادامه دادند.

محترم عبدالکریم ابراز میدانند: در تحولی که مجاهدین وارد کابل شدند، جنگ های داخلی بین خود مجاهدین آغاز گردید، و کار و بار سقوط کرد به تاریخ ۱۰/۱۰/۱۳۷۱ شمسی همراه با فامیل روانه پاکستان گردیدیم و به کار تولیدی آغاز نمودیم، و با مواد پیشرفته تخنیکی و سهولت های زیاد و مشتریان خارجی به صادرات دست یافتیم. با کمک برادران به وقت کم به تعداد ۵۰ پایه ماشین آلات و ۳۶ نفر کارگر مجهز گردیدیم. همچنان به تهیه فلم های مستند و آموزشی حکاک و حجاری اقدام کردیم و به تعداد ۹ فلم با مصاحبه های استادان سابقه دار و با تجربه آماده گردید.

در سال ۱۳۸۱ هجری تحولی سیاسی دیگری در افغانستان به وجود آمد و حامد کرزی رییس جمهور موقت افغانستان تعیین گردید، کارگران و شخص خودم علاقه گرفته و با تمام ماشین آلات، مواد خام و پخته همراه با فامیل های کارگران به کابل آمدیم. یک موسسه در شهر نو و یک موسسه در امپوریم صنایع دستی آماده ساختیم و به کار تولیدی آغاز نمودیم. با تجارب زیاد و روحیه علاقه مندی به وطن کار های ناب و نوین را در راه انداختیم، حکاک میناتورری در غوری، کاسه بشقاب، میز ها، گلدان ها و غیره ایجاد گردید و شاگردان تازه کار استخدام و به کار انداخته شد که بدین وسیله کار فوق العاده رشد نمود. در همین هنگام بازار در بگرام پایگاه نظامی امریکایی ها ایجاد شد، تقاضا بلند رفت و صادرات به خارج افغانستان صورت گرفت.

با مشوره برادران یک موسسه در دوبی امارات عربی شروع به کار کرد، اما بعد از مدت یکسال به قلت مواد دچار گردیدیم و به سال ۱۹۹۳ م دو باره به وطن برگشتیم. دستگاه ها در کابل فعال بود با آمدن دولت آقای اشرف غنی، کار ها روز بروز ضعیف گردید، اما دستگاه ها هنوز هم فعال است.

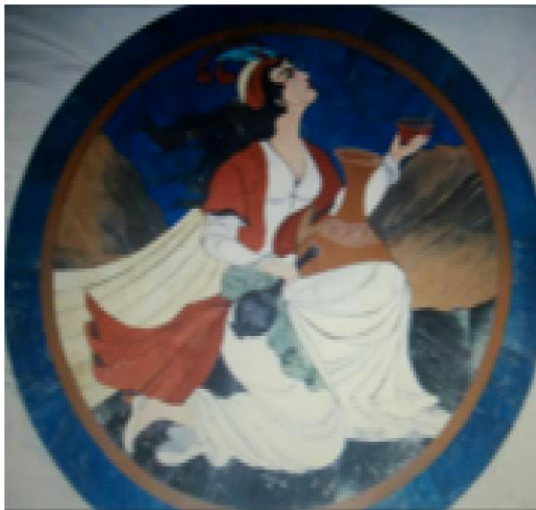
از جمله نواسه های پسری مرحوم عبدالحق حکاک که مصروف هنر حکاک می باشند عبدالرسول حکاکزاده عبدالفهیم حکاکزاده پسران استاد عبدالعظیم و فیصل حکاکزاده پسر استاد عبدالرحیم اند. عبدالرسول حکاکزاده متولد سال ۱۹۸۰ میلادی می باشد که بعد از تکمیل تحصیل در سال ۲۰۰۴ از لیسه امانی شهر کابل فارغ التحصیل گردید. او الی سال ۲۰۰۸ در دستگاه پدرش مصروف کار بود و در سال ۲۰۰۹ در انستیتیوت فیروزکوه بحیث استاد در بخش حکاک دیپارتمنت زیورات به شکل رسمی شامل کار گردید. عبدالرسول پس از سپری نمودن مدت کوتاهی در انستیتیوت فیروزکوه در سال ۲۰۱۵ عازم ایالت لاس انجلس کشور امریکا گردید و نسبت علاقه که به کار خویش داشت در کشور امریکا نیز کار جواهر تراشی را اختیار کرد.

او از کودکی به کمک پدر و کاکا هایش در پیشه حکاک آموزش دیده و الی نوجوانی مشغول این صنعت بود و بعد از فراغت از مکتب وی در آموزش های کوتاه مدت مرتبط با سنگ شناسی و هنر حکاک در کشور های مختلف مانند ماداگاسکار و هندوستان اشتراک کرده است. اکنون وی در امریکا مشغول کار درین عرصه می باشد. همچنان فیصل حکاک زاده دستگاه های تراش سنگ در شهر دوبی دارند، با فروشگاه بزرگ و کار نفیس و با ارزش. پیشه حکاک را از پدر محترم شان عبدالرحیم حکاکزاده آموخته اند و فعلا به کار شان در دوبی ادامه میدهند.





فيصل حكاكزاده پسر عبدالرحيم





همچنان از جمله نواسه های دختری استاد عبدالحق عبدالسمیع و روحینا می باشند که در صنعت جواهرات و هنر حکاکی مشغول کار می باشند. محترمه روحینا نیز از جمله شاگردان انستیتوت فیروز کوه بوده که بعدا در پوهنهی هنر های زیبای پوهنتون کابل به تحصیلات خود ادامه داد.

تراش سنگ در افغانستان همانطوریکه دیگر صنایع دستی هم در طول تاریخ دستخوش تحولات و تغییرات رژیم های دولتی، عدم دسترسی به بازار و مواد خام برای کار و تشویق دولتمداران بوده، با پیدا شدن امکانات کم زمانی رشد و ابتکارات کاری که مبتکرین آن از خود نشان داده اند قابل قدر می باشد.

اما در بخش تراش احجار قیمتی یک تعداد کم و انگشت شمار وجود داشت و دارد که روش مرحوم استاد جمال الدین حکاک را پیشه گرفته اند. زیرا به اصطلاح حکاکان نگین الماس تراش که شکل منظم هندسی و رخ های شمرده شده در پشت و روی نگین کار میشود، متضمن صبر و دقت در این بخش پر مشقت و دقیق حکاکی است، و از حوصله زیاد حکاکان خارج میباشد. جواهرات هر قدر دانه های بزرگ و شفاف باشد چون الماس، زمرد، یاقوت، تورملین و غیره، نظر به وزن و کار آن ارزش بالای خود را داراست.

در عصر حاضر نظر به تقاضای جوانان غربی جواهرات ظریف و کوچک را در لاکت ها و دستبند ها و دیگر اشیای زینتی خود آرزو دارند، که متاسفانه در این بخش کار عملی نسبت نبودن وسایل پیشرفته چون کار با کامپیوتر و دستگاه های اساس صورت نگرفته است، زیرا این کار تنها با دست امکان پذیر نیست.

کار صنایع دستی تراش سنگ در افغانستان فوق العاده قابل قدر است که با ابتکار دست و ماشین میتوانند احجار با درجه سختی بلند را تراش و آماده می نمایند، اما در مورد صنایع ظریف مستلزم کار با کامپیوتر بوده زیرا تقاضای نسل جوان می باشد لذا چشم امید ما به موسسات بزرگ و جوانان وطن است. در زمینه توجه خاص انستیتوت فیروز کوه، جمال موسسه در دوبي، جمال موسسه در امپوریم صنایع دستی و باقی مولدین خورد و بزرگ که در افغانستان و دیگر نقاط جهان فعالیت دارند، خواهانم و موفقیت های بیشتر همه دوستان را که در زمینه تراش سنگ در افغانستان تلاش و پیکار می نمایند از خداوند آرزو دارم.

در خاتمه از تمام عزیزانیکه در این رشته مصروف کار اند و دست آورد های دارند، لطفاً به آدرس اینجانب Mohammad.Rafiq.djamali@gmail.com اطلاع فرمایند تا تاریخ تراش سنگ در افغانستان غنی تر گردیده و خدمتی در عرصه زنده ماندن تاریخ و نام استادان که در این زمینه زحمت کشیده اند و خدمت نموده اند جاویدان بماند.

یک بار دیگر از کمک ها و زحمات استاد عبدالعظیم حکاکزاده قلباً تشکر می نمایم، که در قسمت تهیه این تاریخچه زحمات فوق العاده زیادی را متقبل شده اند. در ضمن نسبت کبر سن اشتباهات اگر صورت گرفته باشد معذورم دارید.

انجنیر محمد رفیق حکاک جمالی سال ۲۰۲۲ میلادی.

((د کابل مسأ ووا لسن))

۱- قیمت ورق قرارداد هذا (۵) افغانی ((د زاوړ دا ټولوی مده پورته))

۲- حق التیبه ور (۱۰) رو ((د خدایات طعه ناپهنده کي))

اتفاق بهدارم من (عبدالحق) ولد (عبدالمصطفی) ساکن خانه ... داند و تذکره ۸۷۳ ... (گواهی کرایه ...)

مکتبه (عزت لهریز) ولد (سید محمد) ساکن (د لهریز) داند و تذکره ۱۰۴۲۹ ... (گواهی کرایه ...)

ان (خبروت ۳۶) کي () میشود بکریه طهافه (بهره دار) افغانی که مالک به ان () افغانی میشود به شرایط ای بکریه کرفته یواد قرارداد را قبولدار بهیاشیم :

((تشویحات))

قراردادیم من بند درگاه لهر عبدالحق ولد عبدالمصطفی صاحب کدیلیاب دکان ... واقع بازار کاه فرزند خود ملکیت خود را فی ماه مهتال تمای کرایه گرفته ام هر ماه هزاره فی کرایه ... بر سر بیره میرستانم قرارداد در حضور ...

محل نصب فوتوی ملک ... محل نصب فوتوی کرایه ...

بهاره () مواد که فوتی توضیح کردید و قرارداد فی این ملک مستاجر عقد کردید و صحیح است و یواد و کرایه ان موافقه دارم

توار داد هذا به ... د توشیت قرارداد ... احمه معا ملسه (محل امضا) لانه (محل امضا) کرایه نشین

شد و اقراوی و امضا ... و کرایه نشین ... کردید (محل امضا) مدهو ناحیه ()

توار داد هذا به ... د توشیت قرارداد ناپهنده کي خدایات طعه داخل شد (محل امضا) سر لادپ (محل امضا) مایور ()

سند قرارداد دوکان استاد عبدالحق حکاک سال ۱۳۳۶